

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

سیامک بهاری

۱۲ جولای ۲۰۱۵

چرا آموزش و پرورش در ایران رایگان نیست؟!

پرداخت شهریه براساس طبقه بندی کیفیت مدارس و دسترسی به آموزش، سپردن امر آموزش به دست بازار و خصوصی کردن آن تحت نام غلط انداز "مدارس غیر انتفاعی"، عدم پذیرش مسئولیت توسط دولت برای تأمین آموزش رایگان با استاندارد یکسان برای کلیه شهروندان جامعه، مخارج تحصیلی کمرشکنی را بر دوش خانواده ها گذاشته است. اگرچه پرداخت شهریه فقط بخشی از رایگان نبودن آموزش در جمهوری اسلامی است. اما همین موضوع عملاً میلیونها دانش آموز را از چرخه تحصیل خارج کرده است.

تشویق و ترغیب تأسیس مؤسسات آموزشی خصوصی از سوی آموزش و پرورش به صورت نقشه مند یک ترند ستراتیژیک این وزارتخانه است.

"سند تحول بنیادین آموزش و پرورش" در بند مربوط به منابع مالی راه را برای خصوصی سازی امر آموزش تحت عنوان "به خدمت گرفتن مشارکتهای مردمی در امر آموزش و پرورش" و تبدیل آن به کالائی برای عرضه در بازار کاملاً باز کرد.

با گسترش هر چه بیشتر شکاف طبقاتی در جامعه، ظهور مدارس خصوصی تحت عنوان غلط انداز "مدارس غیر انتفاعی" و سپردن آن به دست عناصر شناخته شده و خاص حکومتی در آموزش و پرورش سرعت بسیار بیشتری یافت و مورد حمایت بیدریغ آن قرار گرفت. مدرسی که اساساً بر مبنای سود دهی به عنوان یک مؤسسه مالی - آموزشی پایه گذاری شده اند به بخشی از دایره آموزش در ایران بدل گردید. کیفیت متفاوت این مدارس با نوع مشابه دولتی، تبعیض نهادینه شده در دسترسی به آموزش را به حد اعلاء رساند.

تفاوت فاحش کیفیت و روش تدریس، به کارگیری وسایل کمک آموزشی، استفاده از معلمین ویژه، ساعات متفاوت درسی و فوق برنامه، کیفیت فضاهای آموزش و هوشمند کردن کلاسهای درس، استفاده از کامپیوتر و دوربین های مدار بسته، آنالین کردن کلاسهای درس و امکان نظارت دایمی والدین از چگونگی نحوه پیشبرد آموزش، تغذیه مناسب در مدرسه همه و همه در مدارس انتفاعی و در تفاوت با مدارس دولتی که اساساً به مدارس تخریبی مشهور اند، به کار گرفته شد.

به همین منوال مدارس دولتی نیز به سرنوشت مشابهی دچار گردیدند، تبعیض در دسترسی به آموزش در مدارس دولتی با پنج طبقه بندی خاص تحت عناوین، مدارس دولتی عادی، نمونه دولتی، مدارس هیأت امنائی، مدارس شاهد و سمپاد (استعدادهای درخشان) و غیره، به عنوان رقیب در مقابل مدارس به اصطلاح غیر انتفاعی شکل گرفت و دولت با مشارکت با بخش خصوصی همان اندک آموزش غیر خصوصی را هم تکه پاره کرد.

بی توجهی عامدانه حکومت اسلامی به تخصیص بودجه کافی برای آموزش و پرورش به عنوان بزرگترین وزارتخانه که مستقیماً سر و کارش با میلیونها دانش آموز و خانواده آنهاست خود را در کسربودجه های نجومی مزمن در آموزش و پرورش نشان می دهد. به طوریکه بنا به اعتراف صریح وزرای آموزش و پرورش، ۹۵ درصد بودجه این وزارت صرفاً به پرداخت مواجب کارمندان آموزشی می رسد. که عملاً با دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر رسمی حقوق بگیر آموزش و پرورش هستند. پنج درصد باقیمانده حتی کفاف تأمین آب و برق و سوخت و تعمیر و نگهداری و دیگر مخارج جاری مدارس را نیز نمی دهد.

اما تأمین بودجه برای سایر اهداف ایدئولوژیک آموزش و پرورش مانند نمازخانه ها، حضور آخوندها در مدارس، اردوهای راهیان نور، ترویج صلوات، قرائت و حفظ قرآن و غیره با مشکلی مواجه نمی شود. بودجه سرانه آموزشی به ازاء هر دانش آموز، که در بالاترین نرخ، حدود ۲۸ هزار تومان یعنی معادل کمتر از حدود ۹ دالر در سال است نیز عملاً شامل معوقات پرداختی می گردد یا به ندرت در اختیار برخی مدارس قرار می گیرد. مقایسه این سهمیه تحقیر آمیز با بودجه سرانه آموزشی برای مثال با کشورهای اروپائی و جاپان، تفاوتی حداقل هزار برابری به بالا را نشان می دهد.

اخذ شهریه راهی برای تأمین کسربودجه

اخذ شهریه به عنوان راهی برای شانه خالی کردن دولت از تخصیص بودجه به آموزش و پرورش در اجرای تعهدات خود برای سرپا نگهداشتن امر آموزش صورت واضح به خود می گیرد و مانند هر کالای دیگری تابع نرخ ارزش ریال و رکود تورمی بازار می گردد. به این معنی که بنابر گرانی اقسام کالاها در بازار، نرخ کالای آموزش به نام شهریه هم افزایش می یابد. درصد این افزایش قیمت را با آموزش و پرورش خود اعلام می کند و یا به وسیله مدیران در مدارس تعیین می گردد.

وزرات آموزش و پرورش در خصوص اخذ شهریه سیاست رندانه ای دارد. اعلام می کند که مدارس دولتی مجاز به دریافت شهریه از خانواده ها نیستند اما آن را به نام "همیاری مردمی" و یا ترفندهای دیگر به خانواده ها تحمیل می کند و پیش می برد.

برای نمونه؛ اسفندیار چهاربند مدیرکل آموزش و پرورش استان تهران، در بخشنامه رسمی قیمت شهریه ها در مدارس دولتی را چنین اعلام می دارد:

"... مدارس سمپاد (استعدادهای درخشان) می توانند در دوره متوسطه و پیش دانشگاهی طبق مصوبه تا سقف ۴ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان شهریه دریافت کنند. دریافت شهریه در مدارس نمونه دولتی و هیأت امنائی هم قانونی است. در حال حاضر مدرسی که غیر از مدارس دولتی عادی شهریه دریافت نکنند غیر متعارف است. شهریه مدارس تیزهوشان در دوره راهنمائی حدود ۲ میلیون و پانصد هزار تومان است در دوره متوسطه دوم، ۴ میلیون و دویست هزار تومان و دوره پیش دانشگاهی ۴ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان است. شهریه در دوره اول متوسطه مدارس درخشان ۲ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان، در دوره دوم متوسطه ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان و در پیش دانشگاهی ۴ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان است." سپس اعلام می دارد که نرخ افزایش شهریه در سال جاری بین ۱۷ تا ۲۵ درصد است.

نرخ شهریه در مدارس خصوصی که به غلط غیرانتفاعی خوانده می شود حد و مرزی ندارد و تا ۱۷ میلیون تومان نیز گزارش شده است. (قیمتها مربوط به سال تحصیلی ۹۲-۹۳ است)

این در حالی است که "مرضیه گُرد" رئیس سازمان مدارس غیردولتی، توسعه مشارکتهای مردمی و خانواده وزارت آموزش و پرورش در مصاحبه با خبرگزاری ایسنا اظهار می دارد: "... به هیچ وجه بحث خصوصی سازی را دنبال

نمی‌کنیم!" و در پاسخ به این که آیا خانواده‌ها باید برای حضور فرزندشان در مدارس دولتی که به بخش خصوصی واگذار می‌شود شهریه بپردازند؟ عنوان می‌کند: "خیر، به هیچ وجه اجازه نمی‌دهیم شهریه دریافت شود. اخذ شهریه در برنامه آموزش و پرورش هم نیست."

ضمناً ایشان به عنوان رئیس سازمان مدارس غیر دولتی، درجای دیگری با اعلام این که سقف شهریه مدارس غیردولتی مقطع ابتدائی ۵ میلیون تومان است، می‌گوید: برخی مدارس بیش از این مبلغ را دریافت می‌کنند که برخورد جدی خواهد شد. در گفت و گوی دیگری با خبرگزاری مهر در باره شهریه مدارس غیر دولتی می‌گوید: "شهریه مدارس غیر دولتی در هر شهری سقف مشخص دارد. شهریه‌ها را از طریق اداره کل سازمان ابلاغ خواهیم کرد. مدارس غیر انتفاعی در دوره دبستان نباید بیش از ۵ میلیون تومان شهریه دریافت کنند اما گزارشهایی داشته ایم که بیشتر از سقف تعیین شده هم از خانواده‌ها پول دریافت کرده اند."

گزارش می‌دانی چندین خبرگزاری از مدرسی در نارمک و فاطمی حاکی از اخذ شهریه از ۵ تا ۹ میلیون تومان در مدارس مقطع ابتدائی است که در آنها شرکت در کلاسهای فوق برنامه اکیداً اجباری است.

ثبت نام در مدارس عادی دولتی نیز با همین دشواری قیمت شهریه روبه روست: بنا به گزارش خبرگزاری آرمان: "مادر جوانی که یکی از فرزندان دوقلویش در مدرسه پسرانه در خیابان انقلاب تحصیل می‌کند، درباره نحوه پرداخت شهریه می‌گوید: امسال مبلغ ۱۵۰ هزار تومان و برای دخترش که در مدرسه‌ای دیگر درس می‌خواند، ۲۰۰ هزار تومان با عنوان کمک مردمی هزینه کرده است. پرداخت شهریه الزامی است اما میزان مبلغ آن بستگی به سطح مالی خانواده‌ها دارد. برای مثال سقف پرداخت شهریه مبلغ ۳۰۰ هزار تومان بود که برای هر یک از فرزندانم به تناسب توان مالی پرداخت کردم."

هر مدرسه ای مدرسه نیست!

تا اینجا بخوبی روشن است که فاصله گذاریهای عمدی و نهادینه کردن تبعیض در آموزش و پرورش یک سیاست استراتژیک حکومتی است. بنابر این سیاست تبعیض آمیز، مدارس براساس توانائی مالی خانواده تقسیم بندی می‌شود. هر خانواده ای که توانائی پرداخت ارقام نجومی شهریه را دارد و می‌تواند بیشتر بپردازد از امکانات آموزشی بالاتری برخوردار خواهد شد.

در این زمینه مرضیه گرد معاون وزیر آموزش و پرورش با بی شرمی و وقاحت کم نظیری چنین می‌گوید: "امسال تلاش کردیم در خرداد ماه [جوزا] شهریه‌ها را اعلام کنیم و خانواده‌ها با توجه به سبد مالی‌شان مدرسه را انتخاب کنند و از سوی دیگر مدیران هم بتوانند برنامه‌ریزی‌های لازم را برای آغاز سال تحصیلی انجام دهند. . . مدارس مختلفی اعم از مدارس معارف اسلامی، مدارس خیریه، مدارس عام المنفعه داریم و خانواده‌هایی که مایل به سرمایه گذاریهای خاص برای فرزندان خود هستند این امر را به مؤسسان مدارس غیر دولتی می‌سپارند. بنا به درخواست استانها در روستاها و مناطق دور افتاده و صعب العبور برای حضور مؤسسان موفق، فراخوان دادیم تا در صورت تمایل این مدارس را تحت پوشش قرار دهند."

نمونه دیگر: بنا به اعتراف صریح مرتضی رئیسی مسؤول سازمان نوسازی و تجهیز مدارس، ۵۷ درصد مدارس دولتی در ایران تخریبی هستند. این رقم هولناک را باید به انواع مدارس نایمن روستائی، کپری، کانتینری و آغل گوسفندانی که به کلاسهای درس تبدیل شده اند، اضافه کرد. این چهره واقعی استاندارد مدارس دولتی در جمهوری اسلامی ایران است. برای خانواده‌هایی که سبد مالی شان کفاف انتخاب مدارس انتفاعی و پرداخت هزینه های نجومی شهریه و باقی مخارج فوق برنامه را نمی‌دهد، گودالی به نام مدارس دولتی دهان باز کرده است که بدیهی است چنین

مدارسی فاقد ابتدائی ترین و پیش پا افتاده ترین امکانات آموزشی و بهداشتی و ایمنی است. فجایع هولناکی مانند آتش سوزی در مدرسه سفیلان، شین آباد و غیره بخشی از همین بی توجهی عامدانه است.

آموزش رایگان و اجباری حق مسلم ماست!

بهرمند شدن از استاندارد یگانه در دسترسی به آموزش و پرورش برای کلیه احاد جامعه از پایه ئی ترین و بدیهی ترین حقوق شهروندی محسوب می شود. جمهوری اسلامی اساساً با حق شهروندی در تضاد است، بنیادهای ارتجاعی ایدئولوژیک و هویتی این حکومت بر تبعیض و نابرابری اجتماعی در کلیه عرصه ها استوار است. اگرچه به صورت ظاهر برطبق اصل سی ام قانون اساسی جمهوری اسلامی، "دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفائی کشور به طور رایگان گسترش دهد."

وزارت آموزش و پرورش حتی یک لحظه هم برای اجرائی شدن این بند، برنامه، عزم و تصمیمی نداشته است. در عین حال این بند از قانون اساسی برای اجراء نوشته نشده است. بلکه تنها ارزش مصرف ویتزینی و نمایشی دارد. اما علی رغم تمامی اینها آموزش رایگان با استاندارد یک سان خواست و مطالبه ای عمیقاً اجتماعی برای میلیونها مردمی است که توسط همین حکومت به زیر خط فقر رانده شده اند.

سالانه صدها هزار کودک و نوجوان به علت عدم تأمین مخارج تحصیلی از چرخه تحصیلی به بازار بیرحم کار پرتاب می شوند، یا اصلاً پایشان به مدرسه باز نمی شود. بنا به آمارهای دولتی بالغ بر بیش از هفت میلیون دانش آموز از تحصیل باز مانده اند. تعداد بیسوادان کشور رو به ازدیاد گذاشته است. خیل عظیمی از کودکان در ابعاد میلیونی آواره بیغوله های کار و خیابان گردیده اند. (ان جی او) "جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان"، رقم کودکان کار در ایران را ۱۸ میلیون نفر اعلام کرده است که بی گمان صحت دارد.

تأمین آموزش رایگان و اجباری برای نجات میلیونها کودک، مستقیماً به عهده دولت است و باید تمام نهادهای اجرائی ذی ربط و دخیل مانند آموزش و پرورش، بهزیستی و شهرداریها پاسخگو باشند. هزینه تحصیل کودکان نباید به وضعیت مالی خانواده گره بخورد، تا فاجعه کودکان کار و خیابان که مبنائی به جز فقر گسترده در جامعه ندارد، پایان یابد. طبقاً جمهوری اسلامی نه تنها برای این امر برنامه ای ندارد، بلکه در جهت مخالف آن تلاش می کند صورت مسئله را به جای حل آن پاک کند. اجرای "طرح پرتو" برای آنچه که خود دولت وقیحانه "جمع آوری" کودکان کار و خیابان می خواند، در واقع خارج کردن این کودکان از دید و مشاهده علنی جامعه است.

اعتراضات شکل می گیرد

اعتراضات معلمان و خواست تغییرات جدی در نظام آموزشی و تأکید بر خواست آموزش رایگان عملاً نشان می دهد که این جنبش اعتراضی عمیق تر و صدایش رساتر می شود. طی چند ماه گذشته این خواست مداوماً پررنگتر از پیش توسط تجمع های اعتراضی معلمان و خانواده های به ستوه آمده به اشکال مختلف مطرح شده است.

بیشتر از طرح خواسته آموزش رایگان توسط معلمان، خانواده های افغان که کارت اقامت هم دارند در شهرهای تهران و قم در پی سه برابر شدن شهریه مدارس برای ثبت نام دانش آموزان افغان در مدارس دولتی در مقابل نهادهای ذی ربط دست به تظاهرات زدند تا دولت رسماً عقب نشست.

رایگان و اجباری کردن آموزش تا پایان عالی ترین دوره های تحصیلی در ایران کاملاً ممکن و شدنی است. بودجه اینکار فی الحال در دست بیت رهبری و همه اعوان و انصار حکومتی، در جیب حزب الله لبنان و بشار اسد و خیل

عظیم آیت الله های میلیاردر و آقازاده های مفت خور، در پروژه های امنیتی و نظامی و تسلیحاتی قرارگاههای ریز و درشت سپاه پاسداران و دم و دستگاههای امنیتی و نظامی و انتظامی رژیم اسلامی موجود است. کافی است، جیب حضرات را بتکانند تا مخارج تحصیل رایگان و اجباری با بهترین استانداردهای شناخته شده بین المللی برای همه کودکان در ایران به قدر کفایت فراهم گردد.

مطالبه معلمان و مبارزات شهروندان افغان راه را نشان می دهد. آموزش رایگان و اجباری به عنوان یک حق و خواست فوری باید به یک جنبش مطالباتی عمومی تبدیل شود و به اشکال مختلف در مبارزات جاری اجتماعی مطرح گردد. پیوستن خانواده ها به صف مبارزات معلمان با خواست آموزش رایگان حق مسلم ماست می تواند کمک جدی به عمومی شدن این طرح شود.

تجمع های اعتراضی شبیه آنچه خانواده های دانش آموزان افغان انجام دادند نیز یک اقدام مؤثر و جدی است. تحمیل شهریه و طبقه بندی کردن دسترسی به آموزش با ایجاد انواع مدارس با استانداردهای کاملاً طبقاتی شده باید در اعتراضات خانواده ها قرار گیرد و نباید به آن تن داد.

آموزش رایگان و اجباری نقطه پایان به سناریوی گرفتار کردن مردم با آموزش فروشی و دکان و دستکی است که به نام مدارس به اصطلاح غیرانتفاعی ایجاد شده است. همه این مدارس باید بسته شوند. یک استاندارد واحد و عمومی برای کل دانش آموزان کشور در شهر و روستا باید توسط دولت انجام گیرد.

تغییر فضای آموزشی، ایمن کردن محیط آموزش، کوتاه کردن دست مؤسسات امنیتی، نظامی و مذهبی، پایان دادن به جدائی جنسیتی در آموزش و در مدارس و تأمین یک وعده غذای گرم و باکیفیت توسط دولت نیز قطعاً روی میز خواستهای جامعه است و باید متحقق شود.